

منظومه کوه خاطرها

استقبال از استاد شهریار

سین حاتمی



۱۳۹۷

سرشناسه	:	حاتمی، حسین، ۱۳۷۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	منظومه کوه خاطره‌ها: استقبال از استاد شهریار / شاعر حسین حاتمی.
مشخصات نشر	:	تهران: سخنوران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۶۱ ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	:	978-600-455-717-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	ترکی.
موضوع	:	شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع	:	Azerbaijani poetry -- Iran -- 20th century
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷۳۱۴PL ج۹ ح۱۴/ج
رده بندی دیویی	:	۳۶۱۱/۸۹۴
شماره کتابشناسی	:	۵۱۵۱۹۸۶
ملک	:	



تهران، دارالمکتب، خیابان کارگر شمالی، بعد از فرصت، شماره ۱۴۰۷
تلفن: ۶۶۴۷۶۳۰۶ - ۳ - ۰۹۱۱۱۱۶۶۳ (synpub@gmail.com)

منظومه کوه خاطره‌ها

استقبال از استاد شهریار

حسین حاتمی

صفحه آرای و طراحی جلد: سمنوا

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷ - ۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۵-۷۱۷-۷

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مرکز یخش: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳

حق چاپ محفوظ است.

مقدمه

حمایتی انتهاست وردلی شاهد

چرخ فلک ذاکرت وقف تو باشد صدا

شهد لبم را گر حضرت اعلانیم

ذوق کثیرم بنه گوش مراده ندا

سی ام فروردین ۱۳۷۸ در دیار عاشقان حسین بن علی در شهر مراغه شمع عمرم سایه اش را به زندگی وصل کرد.

دوران کودکیم همچون همسالانم به بازی و بازیگوشی گذشت تا این که برای کسب علم و تحصیل وارد مدرسه شدم.

از همان ابتدای دوران تحصیل بود که باشعور و سروده های بزرگان اشنا شدم و پروانه ی شعر، روی نهال قلم شروع به پریدن کرد. پروانه ای که گاهی شبیه بلبل می شد و چون بهار، نغمه هایش را برایم می خواند. کم کم بزرگتر شدم و این علاقه به شعر هم با من به بلوغ رسیده هر چه بیشتر به شعر روی می آوردم تبسم بیشتر ارام میگرفت

و روحم مملو از نشاط وصف ناپذیر می شد یاد دارم اولین بار که اشعار استادم را شنیدم چنان در وجودم رخنه کرد که روحم به پرواز درامد و تصمیم گرفتم تا پایان عمر و تا جاییکه میتوانم راه استادم را ادامه دهم هر چند می دانم

کار هر کس نیست مثل استادم نفیس بودن به این خاطر چندین کیلومتر عقب تر حرکت می کردم تا شاید روزی شعرهایش بیشتر

روی ذوقم اثر کند و دست طبع ام را بگیرد و بالا بکشد، به هر حال من نهالی بودم بلند پرواز.

از همان دوران ابتدایی بازی با واژه هارا اموخته بودم و شعرهایی به زبان کودکی می سرودم و هی نوشته های دست و پا شکسته ام را ویراستاری میکردم تا این که در نوجوانی با تشویق پدرم تصمیم به نوشتن منظومه ام کردم، وصفی از روزگار خویش.

تا به مانند استاد شهریار آنچه که بر من گذشته را به کوه حیدر بابا می گویم و به لطف حضرت نعیم توانستم در سن چهارده سالگی منظومه ام را تمام کنم.

منظومه ام، پس بایست در خور استادی چون شهریار می بود به این دلیل سال ها احازه ی انتشار این اشعار، را به خود نمی دادم، در این بجهت ها جلدین غزل هم سروده ام که به زودی به چاپ می رسند.

در این وادی پدر و مادر من همیشه مشوق بنده بودند و کسی که از همه بیشتر مشتاق شعر نوشتن می کرد استاد مدرسه ام آقای ودودی بودند، در زمان ایشان بسیار عین های عاطفی سروده ام. استاد با چنان لحنی غزل های حضرت لسان غیب را میخواند که عافه ام را بیدار می کرد. امیدوارم در مطالعه ی این ها و سروده هایم خرسند شوند، من از ایشان و تمام همراهانم سپاس گذاری و قدر دانی می کنم و به پاس تمام زحماتشان دست های این بزرگواران را بوسه میزنم.

و در آخر توصیه ام به همه ی هموطنان عزیزم این است که، همه ی ما به رشته ای هنری استعداد و علاقه داریم، هیچگاه ناامید مایوس نشوید، خداوند هیچگاه امید بنده اش را به ناامیدی نمی کشاند، اگر از تلاش خسته نشوید و امیدتان به خدا باشد به یقین مراد را می یابید.

حسین حاتمی (همنشین) - ۱۸/۱/۱۳۹۷ - یا حق.